فهرست

[اصول/ تعدیه حکم 2](#_Toc87876112)

[عوامل تعدیه حکم 2](#_Toc87876113)

[مقدمه 2](#_Toc87876114)

[طرح بحث 2](#_Toc87876115)

[بررسی مسئله 3](#_Toc87876116)

[احتمال ا ول؛ ملاک اطمینان 3](#_Toc87876117)

[احتمال دوم؛ درجه احتمال به اضافه نوع و کیفیت محتمل 4](#_Toc87876118)

[احتمال سوم؛ عدم الاعتناء باحتمال الخلاف 4](#_Toc87876119)

[علت عدم اعتنا عقلا به احتمال خلاف 5](#_Toc87876120)

[ملاک‌های اطمینان 5](#_Toc87876121)

بسم الله الرحمن الرحیم

# اصول/ تعدیه حکم

# عوامل تعدیه حکم

# مقدمه

پس از مباحث قطع به مبحث اطمینان پرداختیم و علی‌رغم اهمیت بحث اطمینان در فقه و توجه به اطمینان در تضاعیف کلمات فقها در اصول بحث مستقلی را نمی‌بینیم

الآن هم که مباحثی را از بعضی از آقایان در حوزه اطمینان ملاحظه می‌کنیم می‌بینید که غالباً استشهاداتشان به عروه و تعلیقه‌های عروه و جواهر و تعدادی از کتب فقهی است و این نشان می‌دهد که در فقه مسئله مورد توجه است و رها شده نیست اما متناسب با آن در اصول به کنکاش و بررسی قرار نگرفته است و این ضعفی در اصول ما هست که باید جبران بشود البته در اصول در حدی که ما مؤانستی با این اصول بعد از شیخ داریم در اصول قبل از شیخ را بررسی نکردم ببینم کسی توجهی داشته است یا نه؟ و همین‌طور در اصول عامه، ممکن است کسی فحص بکند ممکن است شواهدی پیدا بکند.

اما اگر در آنها هم چیزی باشد چون اصول لاغر و جمع‌وجوری بوده است قاعدتاً بحث مهمی در اطمینان در کتب اصولی نیست.

 وقتی اخباری‌ها را نگاه می‌کند مخصوصاً اخباری‌ها با آن سهل و تساهلی که داشتند و می‌گفتند ما قطع داریم این روایاتی که در کتب اربعه هست همه صادر از معصومین است قاعدتاً آنجا قطعشان یعنی اطمینان شاید در کلمات اخباری‌ها شواهدی باشد

در کتب فوائد مدنیه شواهد جدی دارد قبلاً دو یا سه دور این کتاب‌های اصلی اخباری‌ها را خواندم شواهد یا حتی تصریحاتی ممکن است پیدا بشود که نشان می‌دهد مرادشان از علم همین علم بالمعنی العرفی است که شامل اطمینان هم می‌شود.

مبحث اولی که اینجا بود و دامنه‌دار هم بود واژه‌شناسی و اصطلاح‌شناسی و مفهوم یابی اطمینان و مفاهیم مقابل یا مشابه بود که در چند بند بررسی کردیم

# طرح بحث

رسیدیم به اینجا که با عبور از همه آن مفهوم شناسی پیشین، سؤال مطرح این بود که اطمینان احتمال قریب الی القطع است، احتمال متاخم به علم است آیا همین تعریف است یا قید دیگری هم دارد؟

در کلام یکی از آقایان که فایل آن در اختیار من قرار گرفت آمده است که اینجا دو قید دارد؛ احتمال قریب به قطع و به‌گونه‌ای که عقلا به احتمال خلاف آن اعتنا نمی‌کنند

تعریف مرکب از دو قید است احتمال بالا و قریب به قطع که در این کلام ایشان یعنی 99% است و محدود کرده است و بحث می‌کنیم و به حیثی باشد که عقلا خلاف آن را اعتنا نمی‌کنند و برای اینکه این مطلب جا بیندازند گفته‌اند آنجایی که صد ظرف وجود دارد در یکی از آنها سمی ریخته شده است یکی از آنها را می‌خواهد استعمال بکند تقریباً می‌شود گفت اطمینان است برای اینکه 99 درصد در آن نیست یک درصد هست و نودونه درصد این آب سالم است احتمال این خیلی بالاست قریب به قطع است اما درعین‌حال عقلا احتمال خلاف را در اینجا اعتنا می‌کنند و نمی‌خورد.

پس احتمال قریب به قطع با این اضافه که اعتنایی به احتمال خلافش نمی‌شود از ناحیه عقلا. تعریف این دو قید را دارد.

در نقطه مقابل تصور ابتدایی که اطمینان را به یک قید تعریف می‌کند احتمال قریب به قطع، این اطمینان می‌شود.

# بررسی مسئله

این طرح بحث بود و برای بررسی مسئله می‌شود گفت که احتمالات را بازتر کرد به ترتیب زیر.

## احتمال ا ول؛ ملاک اطمینان

اطمینان همان درجه احتمال است؛ ملاک اطمینان درجه احتمال است که یک امر کاملاً ریاضی استاندارد است که حالت انعطاف و رفت و برگشت در آن نیست ما وقتی به احتمال برسیم احتمال از چند دهم درصد شروع می‌شود و تا نزدیک قطع بالا می‌رود ما می‌گوییم 99 درصد یا 999 در هزار که اطمینان را می‌گوییم مثلاً 99% صد را ملاک قرار می‌دهیم نه 1000 و نه میلیون و نه میلیارد.

به‌هرحال ملاک را یک ریاضی معنادار در خارج قرا می‌دهیم این احتمال است که یک جاهایی هم در تشخیص مصداق خیلی واضح است در آنجایی که قطره‌ای از نجس یا سم در این صدتا افتاد هیچ ترجیحی هم ندارد، دوری و نزدیکی هم نیست که احتمال این‌ها را نامتوازن بکند کاملاً متوازن است در آنجا در هر کدام یک درصد است و نبود آن نودو نه درصد است در هر یک.

این یک تفسیر در اطمینان است که نگاه ما در اینجا کاملاً ریاضی است و دقیق و عدد و رقمی است و علی الفرض می‌گوییم صد، حالا ممکن است کسی بگوید هزار را ملاک قرار می‌دهم و یا بیشتر ولی عرفی‌تر صد می‌باشد.

اینجا می‌گوید امور لرزان و لغزان و روان‌شناختی و احوال و اطوار روحی هیچ در این مفهوم اطمینان دخالت نمی‌دهد، اطمینان یعنی نود و نه درصد، 98 یا 97 درصد یا هیچ کدام از این‌ها نیست، 999 در هزار است. ولی یک عدد می‌گوید یک کسر منضبط دقیق، نه ملاک سیال و غیر منضبط بیان می‌کند یک قید دارد درصد است در هزار است کسری است.

این یک احتمال است که شاید اول به ذهن افراد این بیاید یک احتمال متاخم به علم و قریب به قطع است.

## احتمال دوم؛ درجه احتمال به اضافه نوع و کیفیت محتمل

این است که درجه احتمال باشد به اضافه نوع و کیفیت یعنی بگوییم 99، 98% هر چه را از کسرها پذیرفتیم ملاک است اما نه تنها این ملاک بلکه نوع و کیفیت محتمل را هم می‌بینیم این هم یک احتمال دیگر است که ترکیب این دو اطمینان می‌شود نوع و کیفیت محتمل مؤثر است ممکن است در جایی به خاطر اهمیت موضوع نود و هشت درصد هم اطمینان نیست 99 درصد هم اطمینان نیست باید احتمال مخالف به 999 در هزار برسد برای اینکه محتمل یک جایی یک چیزی هست که بسیار حساس است مثل همین مثال سم، در حالی که در جای دیگر همان 98% هم کافی است.

در این احتمال دوم معکوس اولی است یعنی ملاک عدم اعتنا به احتمال مخالف است آن ملاک اصلی است درجه احتمال سیال است، نه سیال مطلق، ولی از 90 درصد هست تا آنجایی که 999 در هزار بشود شاید جایی بالاتر.

به بیان دقیق‌تر؛ در احتمال دوم به عکس می‌شود یعنی می‌گوید ملاک اصلی عدم اعتناء العقلا باحتمال الخلاف است و این عدم الاعتناء باحتمال الخلاف برمی‌گردد به آن کیفیت و نوع محتمل که موضوع چیست؟ این است که از خانه بیرون بیاید احتمالات متعددی هست که تصادف بکند و ... این اعتنا نمی‌کند ولی اگر در سفر می‌رود چون آنجا حالت‌های دیگری وجود دارد و شرایط متفاوت می‌شود آنجا یک درصد را هم می‌بیند و حساب می‌کند ولی در زندگی عادی و روزمره آن را حساب نمی‌کند.

این احتمال دوم است که کسی این‌جور نگفته است که ملاک عدم الاعتناء باحتمال الخلاف است و عدم الاعتناء باحتمال الخلاف تابعی از نوع و کیفیت محتمل است نوع و کیفیت محتمل فرق می‌کند در جایی 96 یا 97 درصد هم اطمینان است یک جایی 99 درصد هم اطمینان نیست. باید آن کسر از آن هم پایین بیاید برای اینکه محتمل‌ها متفاوت است.

در این احتمال دوم که میگوییم عدم اعتناء العقلاء باحتمال الخلاف ملاک اصلی است این عدم اعتناء العقلاء باحتمال الخلاف تابعی می‌تواند باشد از یکی از نوع و کیفیت محتمل و یکی هم آن چیزی که در مقابل این احتمال این طرف قرار گرفته است اینکه علم اجمالی در مقابل این باشد یا نباشد، مثالی که اینجا می‌زنند حاوی یک علم اجمالی است، علم اجمالی دارد که در یکی از این ظروف سم افتاده است اما ممکن است جایی علم اجمالی نباشد و احتمال بدوی بدهد که در یکی از این‌ها سم باشد اینجا هم اعتنا عقلا به این است که علم اجمالی باشد یا نباشد علم اجمالی که نباشد اطمینان با همان 96 یا 97 درصد هم ممکن است درست بشود، علم اجمالی در مقابل باشد 99 درصد هم اطمینان به حساب نمی‌آورد و اعتنا به خلاف آن می‌کند.

بنابراین ملاک می‌شود عدم اعتناء العقلاء باحتمال الخلاف و این تابعی از متغیرات است از قبیل نوع و کیفیت آن محتمل یا وجود یا عدم وجود علم اجمالی.

این دو عامل می‌تواند اثر بگذارد. این احتمال نقطه مقابل احتمال اول است.

## احتمال سوم؛ عدم الاعتناء باحتمال الخلاف

احتمال اول درجه احتمال ملاک است یعنی کسر ریاضی ملاک است

احتمال دوم این است که کسر ریاضی به اضافه عدم اعتناء العقلاء باحتمال الخلاف ترکیب این دو قید

بعید نیست که کسی بگوید ملاک اطمینان کسر ریاضی هست و نیست به این تفصیل که ملاک اطمینان آن حال عقلایی و اعتنا عقلا به خلاف است اگر احتمال خلاف را اعتنا می‌کنند اطمینان نیست اگر اعتنا نمی‌کنند اطمینان هست.

پس اطمینان عدم الاعتناء باحتمال الخلاف است کسر ریاضی دخالت ندارد به معنا اینکه یک طیف وسیعی را می‌شود اینجا فرض گرفت که به خاطر دخالت آن محتمل وجود یا عدم وجود علم اجمالی این سیال می‌شود یعنی یک جایی احتمال 96 یا 97 درصد اطمینان می‌شود یک جایی هم 99 درصد اطمینان نمی‌شود البته کسر ریاضی فی‌الجمله دخالت دارد به‌عنوان عامل فرعی با یک طیف وسیع، یعنی از 95 96 درصد تا کسر هزارم در یک طیف وسیع دخالت دارد اما ملاک اصلی عدم الاعتناء باحتمال الخلاف است.

این عدم الاعتناء باحتمال الخلاف ملاک اصلی است دایره کسر ریاضی، دایره وسیعی است و تابعی از متغیرات مختلف است

### علت عدم اعتنا عقلا به احتمال خلاف

عقلا چرا به احتمال خلاف اعتنا نمی‌کنند یا به خاطر این است که کسر ریاضی خیلی پایین آمده است و نود درصد شده و می‌گوید پایین بیاید من دخالت نمی‌کنم یا به خاطر این است که کسر بالا آمده، 99 درصد است ولی یک علم اجمالی بالای سر آن هست می‌گوید من اعتنا می‌کنم به احتمال خلاف یا به خاطر اینکه محتمل کشته شدن است می‌گوید من به این احتمال خلاف اعتنا می‌کنم

### ملاک‌های اطمینان

ملاک همان عدم الاعتناء باحتمال الخلاف می‌باشد این جامع است آن کسر ریاضی یکی از ملاک‌ها و یکی از عوامل و

متغیراتی است که روی این اثر می‌گذارد و یکی هم علم اجمالی است و یکی هم اهمیت و عدم اهمیت محتمل است.

این سه بیان شد. ما این بیان سوم را بیشتر قبول داریم می‌گوییم آنکه عرف اطمینان می‌داند ذهنش در عدد و رقم ریاضی ملاک اصلی نیست، ملاک اصلی آن است که سر جمع عوامل را می‌بیند و کسی که معطل احتمال مخالف باشد.

چرا می‌خندد و می‌گوید مخالف را نبین؟ و فراتر از ظن می‌بیند و به منزله قطع آن را به حساب می‌آورد؟

یکی کسر ریاضی است، صرف‌نظر از اینکه موضوع چیست اگر کسر به 90 درصد رسید می‌گوید باید به احتمال خلاف اعتنا کرد

یکی هم این است که علم اجمالی بالای سر آن هست

این که کسر بالاست 99 درصد است، علم اجمالی هم بالا سر آن نیست ولی باز اعتنا نمی‌کند به دلیل اینکه موضوع را خیلی مهم می‌داند، دماء و فروج می‌بیند با فروج اطمینان برای او حاصل نمی‌شود ولو اینکه کسر بالاست.

این‌ها را همه را زیر پوشش اینکه عدم الاعتناء باحتمال الخلاف است.

ما می‌گوییم ملاک آن جنبه روان‌شناختی است نه امر ریاضی یعنی اینکه عرف و عقلا یک آرامشی در این شرایط احتمال پیدا می‌کند و اعتناء به خلاف ندارد یا برای اینکه می‌بیند در موضوعات عادی کسر خیلی بالاست یا اینکه در موضوعات مهمه کسر هر چه بالا بیاید باز اعتنا نمی‌کند یا به خاطر وجود علم اجمالی آن حالت روان‌شناختی حاصل نمی‌شود

در واقع این تفسیری که ما می‌گوییم ترجیح آن قواعد روان‌شناختی است بر این قواعد ریاضی، ملاک آن قواعد روان‌شناختی است که عرف وقتی مقابل این احتمال در این موضوع قرار می‌گیرد می‌گوید من مقابلش را نمی‌بینم، چرا؟ برای اینکه کسر خیلی بالاست یا این که کسر پایین است ولی علم اجمالی مانع می‌شود یا اینکه موضوع خیلی مهم است.

سؤال: کسر ریاضی ملاک است منتها تابع این است که آن موضوع چه باشد در دماء و فروج آن کسر شاید بالا یا پایین‌تر باشد ولی در سایر موارد در پاکی و نجسی این خیلی ...

جواب: این همان سخن است که اصل کسر ریاضی است و 99 درصد هم ملاک قرار می‌گیرد می‌گوید این اصل است منتها این تمام قاعده نیست همین به اضافه این باید باشد که عقلا اعتناء به خلاف نکنند و الا با این 99 درصد ممکن است اعتناء به خلاف بکنند.

ملاک عدم اعتناء العقلا باحتمال الخلاف است عدم اعتنایی که ناشی از عوامل تساهل و پایین بودن مسئله نیست

نظر سوم این است که عدم الاعتناء باحتمال الخلاف بر اساس آن است که درجه احتمال هم تأثیر دارد این گاهی به خاطر این است که کسر خیلی بالاست و گاهی کسر پایین است ولی چون موضوع فرق می‌کند و یا علم اجمالی هست این‌ها در آن تأثیر می‌کند.